

صبح صادق آخرین وضعیت تحولات عراق را تحلیل می کند

اجماع و همسویی در بیت شیعی ضرورت امروز عراق

هادی محمدی

سیاسی همه گروه‌ها» پایه و مبنای حکومت ضعیف در سهمیه‌دار طوایف مذاهب را فراهم کرده که اساساً برای مداخله‌گری و چالش‌آفرینی در عراق از سوی آمریکایی‌ها، مهندسی همین سیستم محاصسه و سهمیه‌های طایفه‌ای، کابینه و وزارتخانه‌ها را به لانه‌های حزبی و تروریستی و... با نخست‌وزیرهای سال‌های گذشته تبدیل کرده بود و هر یک از وزرا پیش از اینکه به فکر مردم و مطالبات آنها یا سازندگی و مقتدرسازی عراق باشند، به نفع حزب و طایفه خود، عمل کرده‌اند. همین مسئله، پایه‌های فساد و حکومت ناکارآمد را به وجود آورد که همواره مورد انتقاد مرجعیت عراق بوده است.

اختلاف در بین رهبران سیاسی به شیعه منحصر نبوده و در بین کردها و سنی‌ها هم وجود دارد که در کنار رانت‌های اقتصادی به یک غده سرطانی در عراق تبدیل شده است. بدیهی است که آمریکا، عربستان، ترکیه و... یک حکومت کارآمد و منسجم را نمی‌خواهند و آن را برای خود، خسارت‌آفرین ارزیابی می‌کنند.

داعش شراکت داشته‌اند، امروز که عمر داعش در عراق به پایان خود نزدیک می‌شود، در قالب جدید برای مبارزه با آن ظاهر شده‌اند و به جز آمریکا، ترکیه و ... عربستان سعودی هم از زبان سفیر خود در بغداد برای مبارزه با داعش اعلام آمادگی می‌کنند!

۳- بیت شیعی که مجموعه‌ای از گروه‌های سیاسی عراقی است، از گذشته در بین خود رقابت، حساسیت، اختلاف و درگیری‌هایی داشته‌اند که بنا به شرایط سیاسی یا امنیتی، بروز و ظهور بیشتری به خود گرفته است. هر یک از آنها خود را با اصالت بیشتر و حقانیت برای محوری شدن می‌داند و دیگر گروه‌های شیعی به موازات خود را تحمل نمی‌کنند، یا نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. این صفندی‌های درون بیت شیعی، از اصالت واقعی ندارد و نمی‌توان آن را چندان به رسمیت شناخت. از سوی دیگر هر یک از رهبران شیعی، توانایی‌هایی اختصاصی دارند، که در کنار هم می‌تواند، تولید قدرت کرده و با

تردیدی نیست که آمریکا و برخی شرکای منطقه‌ای آن، یکی از اصلی‌ترین عناصر و بازیگران در غرب آسیا و به‌ویژه در عراق هستند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. شاخص یک برنامه راهبردی این است که اگر روندها و تحولات بر اساس طراحی و برنامه‌های آنها به پیش نرفت، یا در شرایط غافلگیری ناشی از راهبردهای طرف مقابل قرار گرفت، پلان B و فوری آن است که باید در مسیر آن اختلال یا انحراف ایجاد کرد و اگر این تاکتیک برای مدیریت برنامه حریف میسر نباشد، کند کردن راهبردهای حریف، یک گزینه اضطراری است.

۱- آمریکایی‌ها که در سال ۲۰۱۰ با خفت و ذلت از عراق اخراج شدند، با تکیه بر سازوکارهای سیاسی و برخی بازیگران همسو در داخل عراق، تلاش مستمری برای بازگشت به این کشور صورت دادند. فرصت طلایی ناشی از تروریسم تکفیری

که به‌عنوان بازوی جنگ نیابتی آمریکا در سوریه فعال شده بود، عراق را نیز در دستور کار آمریکایی‌ها قرار داد و با کارگزاری دوستان آمریکا در عراق، یعنی بارزانی و جناحی از اهل سنت در استان‌های شمالی و برخی چهره‌های سیاسی، داعش به عراق وارد شد و حداقل سه استان را به اشغال خود درآورد. خاورمیانه جدید آمریکا، این بار قرار بود با تروریسم تکفیری ساماندهی شده و شکل بگیرد و لذا عمر این پروژه در مواضع رسمی مقامات آمریکایی تا ۲۰ سال هم ذکر شد.

راهبردهای عراق و مرجعیت این کشور برای دفاع در مقابل تروریسم داعش، با تکیه بر بسیج مردمی به نام حشدالشعبی با وجود تمامی کارشکنی و مانع‌تراشی آمریکا و هم‌پیمانان سنی آنها در عراق، راه خود را به سرعت باز کرد و داعش را با فقر، شکست و عقب‌نشینی روبه‌رو ساخت. امروز داعش در الانبار فقط در شهر مهم فلوجه محاصره است. شهرک مرزی القائم باید پاکسازی شود و در استان نینوا، در شهر موصل محاصره و بخش کوچکی از جنوب غربی مرزهای سوریه که به شهر قائم متصل می‌شود را در اختیار دارد و آخرین نقطه اشغالی در استان کرکوک نیز شهرک حویجه است که به دلیل حضور بعضی‌های اصیل عراقی، در حکم ستون فقرات داعش هستند و سرکوب آنها در حویجه، بر سرعت فروپاشی داعش در عراق، خواهد افزود. پروژه آمریکا با شکست روبه‌رو شده و آمریکا بخشی از داعش را به عراق منتقل کرد، ولی حاضر نیست ناظر این روند باشد و صرفاً تماشا کند و برای کند کردن این مسیر یا حذف نشدن از پیروزی بر تروریسم داعش، رفتارهای مشارکتی از خود نشان می‌دهد. دلیل آن چیست؟

۲- پروسه نابودی داعش در عراق، پایه‌گذار یک فرآیند سیاسی جدید در عراق است و به دلیل ضعف جناح‌های اهل سنت که با آمریکا و شرکای منطقه‌ای آنها کار می‌کنند و بارزانی که هم در اشغال داعش در عراق و هم براندازی حاکمیت در سوریه با تروریست‌های ارتش آزاد و النصر همراهی و همکاری کرده، مرحله جدید سیاسی عراق این دو جریان را با سؤال جدی روبه‌رو خواهد کرد؛ یعنی کسانی که میزبان و همکار داعش در عراق بوده‌اند، در پروسه جدید سیاسی عراق قدرت خود را از دست می‌دهند. به همین دلیل همه کسانی که در پروژه تروریسم

هم‌افزایی به جریان‌سازی و قدرت‌آفرینی در عراق منجر می‌شود. یعنی اگر برنامه و پروژه‌ای به خوبی به اجرا درآید و تقسیم‌بندی شود، حاصل قابل ملاحظه‌ای هم در بر خواهد داشت. خلاصه سربسته اینکه آنچه از مقتدی صدر بر می‌آید، با آنچه باید از عمار حکیم یا مالکی و جعفری انتظار داریم، متفاوت است. آنچه می‌توان به دست هادی عامری حاصل کرد، از مالکی و جعفری به دست نمی‌آید و آنچه از عمار حکیم امکان‌پذیر است، نباید از مقتدی‌صدر انتظار داشت، اما تمامی آنها در کنار هم می‌توانند در یک تحول بزرگ کارساز باشند؛ لذا ورود به حساسیت‌ها و

هر یک از رهبران شیعی، ظرفیت‌هایی اختصاصی دارند که در کنار هم می‌تواند تولید قدرت کرده و با هم‌افزایی به جریان‌سازی و قدرت‌آفرینی در عراق منجر می‌شود

رقابت‌های منفی آنها که در لایه‌های طرفداران یا با تحریک عوامل خارجی شکل می‌گیرد یک دام و یک گزینه خطرناک و مخرب است و این جریان‌های سیاسی در جا و مکان و نقش خود خوب هستند و باید به خوبی مدیریت شوند که در اینجا نقش مرجعیت خودنمایی می‌کند و تشویق و ترغیب‌ها و هدایت‌های ایرانی، این پیکره مهم و اثرگذار را خواهد ساخت.

۴- حکومت‌های عراقی که پس از سقوط صدام شکل گرفته‌اند با یک سازوکار هوشمند آمریکا به نام «ضرورت مشارکت

هشدار و درخواست‌های مرجعیت عراق درباره ضرورت اصلاحات و مبارزه با فساد و محاصسه یا سهمیه‌های طائفی در حکومت به دلیل ساختارهای بیمار حکومتی و فقدان یک مدیریت قوی در حکومت با کندی دنبال شد تا جایی که خطبه‌های سیاسی مرجعیت در نجف اشرف متوقف شد و به اعتراض نسبت به این وقت تلف کردن واکنش نشان داده شد.

حیدر العبادی از مدتی پیش با تشکیل کمیته مبارزه با فساد و حذف ریخت‌وپاش‌های حکومتی و حذف و برکناری برخی از پست‌های حکومتی کار را شروع کرد که از همان زمان با مقاومت‌هایی روبه‌رو شد؛ چرا که این اقدامات برای رانت‌های سیاسی و اقتصادی آنها زیان‌آور بود. از همان زمان پیش از ۲۵۰۰ مسئول درجه دو و سه عراقی با خانواده‌های‌شان به ترکیه، اردن، امارات فرار کردند که اقدام این کشورها نشان‌دهنده برخی گرایش‌های این مقامات نیز است.

۵- اعتراضات مردمی که حداقل از تابستان سال گذشته در استان‌های جنوبی فعال بود، در ماه‌های اخیر در بغداد با شکل جدی‌تری مواجه شد و مقتدی صدر در جایگاه یک چهره سیاسی که تابعیت بسیج مردمی دارد، در رأس آن قرار گرفت و برجستگی به طرفداران وی داد، ولی این تجمعات به حضور طرفداران وی منحصر نشد و جریان‌های مختلف مردمی و حتی نفوذی‌ها هم در بین آنها بودند؛ چرا که به چالش کشیدن حکومت مرکزی همواره از سوی بارزانی و جریان‌های سنی یا کشورهای حامی آنها در دستور کار بوده و در شرایط ویژه به‌دنبال امتیازگیری از حکومت بوده‌اند.

العبادی در آخرین اقدام خود به دنبال ارائه کابینه تکنوکرات و غیر حزبی بود که از سوی اغلب گروه‌های سیاسی

با تمایل جدی روبه‌رو نبود، اما در نهایت و طی توافق با گروه‌های یاد شده، مقرر شد از لیست‌های پیشنهادی احزاب، ترکیب کابینه را مشخص و به پارلمان ارسال کنند. مداخله برخی طرف‌های خارجی، به‌ویژه آمریکا و انگلیس، ترکیبی مشکوک که حتی جریان انگلیسی و سلطنت‌طلب شریف را هم در آن قرار می‌داد و یا لیست‌های احزاب مرتبط نبود به پارلمان رفت که با اعتراض شدید فراکسیون‌ها روبه‌رو شد و برخی احزاب، این نامزدهای وزارتی را به استعفا مجبور کردند. دعوی مالکی با العبادی شکل جدی‌تری گرفت و آن دولت قانونی در کنار نمایندگان بارزانی و برخی لیست‌های سنی شمال، تحصن در مجلس را آغاز کردند و خواستار حذف رؤسای سه‌گانه شدند. در این تحصن نمایندگان اجراء وابسته به مقتدی صدر هم بودند که به سرعت از آن خارج شدند، ولی آنچه قابل توجه است اینکه تضاد مالکی با عبادی با رویکرد بارزانی و احزاب سنی شمال نسبت به برنامه عبادی متفاوت است. این دو جریان، عمدتاً



به دنبال منحرف و متوقف کردن یا حذف محاصسه هستند؛ چرا که این سیستم برای آنها حکم حیات و ممات دارد و به ویژه اینکه آمریکا و دول مداخله‌گر ابزارهای خود را از دست می‌دهند. همزمان با این حوادث و از دو هفته قبل، تحصن مردمی در میدان آزادی و سپس در منطقه خضرا دنبال می‌شد و درخواست مقتدی صدر و مردم بر ضرورت تسریع در ارائه کابینه به پارلمان قرار داشت و لذا با ارائه لیست دوم عبادی به مجلس که با اقدام تحصن‌کنندگان مجلس در حذف جیوری و هیئت رئیسه همراه بود و فواد معصوم همه گروه‌ها را برای جلسه

پس از سال‌ها استنکاف سعودی‌ها برای به رسمیت شناختن دولت عراق، ثامر سبهان ژنرال امنیتی و آموزش‌دیده انگلیسی سفیر سعودی در بغداد انتخاب می‌شود!

سه‌شنبه هفته قبل دعوت کرده بود، مصوبات نمایندگان معترض لغو و به ریاست جیوری، پارلمان به پنج نفر از لیست دوم عبادی رأی مثبت داد. بنا به گزارش‌های موجود، دلیل لغو مصوبات نمایندگان معترض فقدان نصاب و تعداد کافی نمایندگان بود که در جلسه سه‌شنبه با کناره‌گیری احرار از آنها، تنزل پیدا کرد و نمایندگان حاضر در پارلمان به ریاست جیوری با ۱۸۳ رأی به کابینه عبادی رأی دادند. مقتدی صدر از آن استقبال کرد و آقای قیابچی در جایگاه نماینده مرجعیت در نماز جمعه نجف نیز این اقدام را مثبت ارزیابی کرد. برخی، رقابای سیاسی



مقتدی صدر را متهم کردند که چون در کابینه عبادی سه وزیر به مقتدی صدر تعلق گرفته از آن طرفداری می‌کند، مقتدی نیز طی مصاحبه‌ای اعلام کرد هیچ وزیری در کابینه نمی‌خواهد و به زودی از کار سیاسی، کناره‌گیری خواهد کرد، ولی خواستار تسریع در تشکیل کابینه است. نکته مهم اینکه چند روز قبل در رابطه با لیست دوم عبادی، نیچروان بارزانی همراه با یک هیئت از اقلیم به بغداد آمد تا مشکلات خود با دولت مرکزی را بررسی کند که ظاهراً بر ضرورت غیرحزبی بودن کابینه تأکید کرده بود و عبادی هم که در شرایط سختی قرار داشت، آن را پذیرفته و سه وزیر برای اقلیم در نظر گرفته بود. سپس این هیئت کردی با مالکی ملاقات کرده و به‌عنوان یک مجموعه در پارلمان در کنار آنها، اعلام موجودیت کرد. نمایندگان متحصن مقرر کردند که به دادگاه قانون اساسی شکایت کنند و تا آن زمان در جلسات پارلمان شرکت نکنند، ولی جلسه روز شنبه گذشته که قرار بود لیست سوم عبادی برای تکمیل کابینه ارائه

شود با مشکلات جدیدی روبه‌رو شد. منابع حکومتی به مقتدی صدر اعلام می‌کنند که افراد پیشنهادی، غیر حزبی نیستند و عملاً شعار حذف محاصسه در کابینه عبادی مطرح نیست؛ لذا فراکسیون احرار در نشست شنبه شرکت نکردند و پارلمان به نصاب کافی نرسید. مقتدی صدر به‌طور همزمان در تحصن مردمی اعلام کرد که هیچ وزیری به کابینه معرفی نمی‌کند و بر ضرورت اصلاحات کامل، کابینه غیرحزبی و مبارزه با فساد تأکید کرد. مردم حاضر در تحصن به شکل خودجوش به

پارلمان و ساختمان نخست‌وزیری وارد شدند و آن را اشغال و پس از چند ساعت تخلیه کردند و در بیانیه‌ای، پایان اعتراضات را برای مشارکت در مراسم شهادت امام کاظم(ع) اعلام نموده و قصد بازگشت مجدد بعد از مراسم سوگواری را دارند. رؤسای سه‌گانه با تشکیل جلسه‌ای، بر ضرورت تسریع در کابینه غیرحزبی و اصلاحات و مبارزه با فساد تأکید کرده و خواستار پیگرد افراد آشوبگر در اشغال پارلمان شدند که طی آن به یکی از نمایندگان کرد نیز تعرض شده بود. بنا بر برخی گزارش‌ها، مقتدی صدر در همان روز با آیت‌الله سیستانی ملاقات می‌کند و جلسه بیت شیعی نیز تشکیل می‌شود تا به بررسی رخدادها و تصمیمات جدید بپردازند. این روند از بحران جدید سیاسی، حواشی مهمی داشت که در ادامه به آن می‌پردازیم.

الف - با جدی شدن بحث کابینه غیر حزبی، نیروهای بارزانی در شهر طوزخورماتو اقدام به درگیری با حشدالشعبی ترکمانی در این شهر کردند و ستون نظامی به شهر اعزام و بخش‌هایی را به اشغال درآورد و برای اخراج شیعیان ترکمن اقدام به آتش زدن منازل آنها کردند که ابتدا از سوی هادی عامری و سپس ابومهدی مهندس و طی دو مرحله مقرر شد نیروهای دو طرف از شهر خارج شده و پلیس فدرال امنیت شهر را بر عهده بگیرد.

ب - ثامر سبهان سفیر سعودی در بغداد که یک ژنرال امنیتی و آموزش‌دیده انگلیسی است و پس از سال‌ها استنکاف سعودی‌ها برای به رسمیت شناختن دولت عراق به این کشور آمده، اعلام کرد، به دستور پادشاه هرگونه نیاز اقتصادی استان الانبار را تأمین می‌کند و اگر عراق بخواهد، نیروهای سعودی در آزادسازی موصل مشارکت خواهند کرد!

ادامه در صفحه ۱۲

نگاه یک

نقش سفارت عربستان در بحران سیاسی عراق

محمدرضا مرادی

و، با بیان اینکه السهان از بنیان جبهه النصره، در سوریه است، گفت: او در چارچوب‌های دیپلماتیک کار نمی‌کند و تعجب ما این است که دولت عراق چگونه او را پذیرفته است. در واقع، این نماینده پارلمان عراق همان زمان هشدار داد که تعیین وابسته نظامی عربستان در لبنان به عنوان سفیر در عراق، این ظن را ایجاد کرده که عربستان در پوشش سفارت و فعالیت‌های دیپلماتیک، قصد دارد تلاش‌های نظامی‌اش را در عراق تقویت کند. بررسی اقدامات و اظهارنظرهای سفیر عربستان در عراق نیز به خوبی مؤید این مطلب است که عربستان تلاش دارد از طریق سفارت خود در بغداد که به کانون توطئه تبدیل شده است به



هدف اصلی خود در عراق، یعنی بی‌ثباتی و هرج‌ومرج داخلی جامعه عمل بپوشاند. نکته جالب در این‌باره به همزمانی ورود سفیر عربستان به عراق و شروع تظاهرات‌ها در نقاط مختلف کشور برمی‌گردد که شاید نتوان شروع این بحران را با عربستان مرتبط دانست؛ اما بی‌شک، عربستان به تشدید بی‌ثباتی و تحریک و تشویق گروه‌ها برای ادامه اعتراض‌ها دامن زده است. متأسفانه این تله و نقشه عربستان از دید گروه‌های داخلی عراق پنهان مانده و جریان اهل سنت و دیگر گروه‌ها بدون توجه به عواقب این امر، به بحران سیاسی دامن می‌زنند. گروه‌های داخلی در حال حاضر باید هدف اصلی خود را مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی قرار دهند؛ چراکه غفلت از هیولای داعش سبب می‌شود تمام گروه‌ها متضرر شوند. بحران ساختگی عراق باید هر چه سریع‌تر به پایان برسد تا داعش فرصت تجدید قوا نیابد.

محمدرضا بلوردی

پشت پرده اصلاحات اقتصادی در عربستان

محمدرضا بلوردی

محمد بن سلمان، پسر پادشاه، جانشین ولیعهد و وزیر دفاع عربستان سعودی که یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در ساختار کنونی قدرت به شمار می‌آید، پیشتر با صدور دستور حمله به یمن تجاوزی وحشیانه را علیه این کشور آغاز کرده و بیشتر از یک سال است که ادامه دارد. وی که با این حمله تلاش کرد اقتدار خود را در زمینه نظامی نشان دهد، امروز به دنبال آن است که با اجرای طرح اصلاحات اقتصادی، چهره یک قهرمان و مصلح اقتصادی را از خود به نمایش درآورد.

بر اساس طرح موسوم به «چشم‌انداز ۲۰۳۵»، محمد بن سلمان در پی این است که از اتکای عربستان به تولید و صادرات نفت بکاهد؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۰ به اتکای اقتصاد عربستان به نفت به منزله تنها منبع درآمد پایان دهد و یک صندوق حاکمیتی با پس‌انداز دو میلیارد دلاری تأسیس کند و با سود حاصل از آن هزینه‌های کشورش را در سال ۲۰۲۰ تأمین کرده و عربستان را به یک کشور مدرن و قدرت مالی بزرگ تبدیل کند. بر این طرح، فروش دست‌کم پنج درصد از سهام شرکت نفتی آرامکو - ثروتمندترین شرکت نفتی جهان - مدّ نظر قرار دارد. همچنین، بر اساس طرح مزبور عربستان ۵۰ درصد نیازهای نظامی‌اش را از طریق کارخانه‌های داخلی تأمین خواهد کرد و ریاض شرکت‌های غربی صادرکننده سلاح را طبق قرارداد و ادار خواهد کرد که این کارخانه‌ها را در داخل عربستان احداث کنند. این کشور همچنین قصد دارد شمار حجاج شرکت‌کننده در مراسم حج عمره را از هشت میلیون نفر در حال حاضر به ۳۰ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰ افزایش دهد.

طرح برنامه اقتصادی ۱۵ ساله محمد بن سلمان برای عربستان که به سرعت از سوی کابینه این کشور تصویب شده است، واکنش‌های مختلفی را در بین کارشناسان مسائل این کشور در پی داشته است؛ عبدالباری عطون، سردبیر روزنامه اینترنتی «رأی‌الیوم» می‌گوید: دیدگاه مطرح‌شده از سوی شاهزاده محمد بن سلمان که از آن به منزله نقشه راه آینده نام می‌برد، بر روی کاغذ با صفحه تلویزیون درخشش دارد و جذاب به نظر می‌رسد و همان گونه که انتظار می‌رفت مصاحبه‌کننده هیچ‌گونه پرسشی که مصاحبه‌شونده را در تنگنا قرار دهد، نپرسید؛ اما چه بسا وقتی این دیدگاه به مرحله عمل برسد، نتایج کاملاً معکوس، همانند عملیات نظامی «طوفان قاطعیت» در یمن یا جنگ و کالتی علیه ایران در سوریه به همراه داشته باشد.

